

عاطفه همایونی

THE GLOBE AND MAIL

عاطفه همایونی

اگر اکنون این بخت را دارید که به جای اضطراب، احساس ملال می‌کنید، کار فیلسوفان را انجام دهید؛ از فرصت استفاده کنید و به درونتان بنگرید.

با گذشت چندین هفته از شیوع ویروس کرونا و قوانین فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه، خیلی‌ها از حالت اضطراب شدید به وضعیتی ملال آور و آزاد‌هنده رسیده‌اند. درحالی‌که اضطراب و دلهره از کرونا، اقدامات دولت‌ها و احتمال بیماری ادامه دارد، بی‌قراری‌های روزمره هم افزایش یافته است. آیا سرپال دیگری برای تماشا کردن باقی مانده است؟ خانه را تمیز کرده‌اید؟ دوباره کتاب‌هایتان را در قفسه‌ها چیده‌اید؟ چندین بار لباس‌هایتان را دسته‌بندی کرده‌اید و... آیا به انتهای اینترنت رسیده‌اید؟ با وجود اینکه شاید مایل باشید، جایی نمی‌توانید بروید، آن هم با وسیله نقلیه‌ای که پر از سطوح لوده است. تمام تبلیغات سر گرم کننده فعلی به‌طرز وحشتناکی از واقعیت‌های حلالی ما جدا شده‌اند. خبرها همه بد هستند. کافه‌ها و رستوران‌ها تعطیل‌اند. اعضای خانواده شما تمام روز یک‌جا جمع شده‌اند و یکدیگر را کلافه می‌کنند. به‌تعمیق افتادن برنامه‌های زندگی، بی‌پایان و خسته‌کننده شده است. اکنون شما از شنیدن «بایین آوردن منحنی»، «از بین بردن ویروس» و «دولت‌ها باید اقدامات بیشتری انجام دهند» عصبی و کلافه می‌شوید. اگر در شهر زندگی می‌کنید، از پنجره خانه‌تان خیابان‌ها را می‌بینید که خالی و بی‌جان شده‌اند. شاید زمان‌هایی که در اتقانتان قدم می‌زنید، به این فکر کرده باشید که آیا چیزی به اسم «مرگ بر اثر ملال» هم وجود دارد؟ باید بگویم بله، وجود دارد.

جورج سنندرز، بازیگر برجسته فیلم «همه‌چیز درباره‌ی او»، سه یادداشت خودکشی از خود به‌جا گذاشته بود. در یکی از آن‌ها نوشته بود: «جهان عزیزم! من اینجا را ترک می‌کنم؛ چون حوصله‌ام سر رفته است. احساس می‌کنم به اندازه کافی زندگی کرده‌ام. من شما را با نگرانی‌هایتان در این فضاها دل‌انگیز تنها می‌گذارم. موفق باشید.»

این توصیف جهان است از دید یک بازیگر و شاعر ملول در سال ۱۹۷۲. اکنون در اوایل سال ۲۰۲۰ هستیم. گسل‌های اجتماعی و اقتصادی بی‌رحمانه آشکار شده‌اند. کارکنان در معرض خطر هستند. اخراج و تعدیل

من ادامه خواهم داد

آیا وضعیتتی که ما در روزهای شیوع کرونا تجربه کردیم به فلسفه ورزی ختم می‌شود؟

عاطفه همایونی

موقت، غیرقانونی است اما به‌هر حال اتفاق می‌افتد. کارکنان مراقبت‌های بهداشتی و کارکنان صنعت نفت ترسیده‌اند. خدمتکاران، نظافت‌چی‌ها، کارمندان هواپیمایی و کسانیی که در زمینه‌های فرهنگی فعالیت می‌کنند، نیز بلا تکلیف هستند. این بحران اقتصادی ممکن است بسیار بدتر از رکود بزرگ باشد. ما بین ترس‌های فلج‌کننده، بی‌تفاوتی بی‌پروا و عصبیتی تبادار -که از پریشان‌کننده‌ترین حالات‌های ملال است- در نوسان هستیم. انگار اکنون همان زمانی است که داگلاس آدامز، با صحبت از ملال جاودانگی، آن را «زمان طولانی و تاریک چای عصرانه روح» نامیده است. از منظر دیگران، این وضعیت یک آشفتگی آرام درونی است که در آن همه‌چیز آغاز می‌شود اما هیچ چیز پیش نمی‌رود؛ حالتی که روح خودش را از دورن متلاشی می‌کند. حدود ۲۰۰سال پیش، آرتور شوپنهاور، فیلسوف آلمانی، با بینشی ظریف گفت که «ملال، شرایط خاص دنیای مدرن است.» منظور او البته این نیست که مردم قبل از اوایل قرن ۱۹ میلادی در اروپایی نسبتاً مرفه دچار ملال نشده باشند. آنچه او می‌گوید، این است که شرایط دنیای جدید امکان ملال را افزایش می‌دهد؛ پناهگاهی مطمئن، غذای کافی برای خوردن، اوقات فراغت، انگیزه‌های فرهنگی (و نبود آن) و نه‌نهایت امکان تعمق درباره هویت فردی در یک جهان بی‌تفاوت.

ما مجبوریم صبر کنیم و منتظر بمانیم تا ویزای آزادی‌مان صادر شود. اکنون ما منتظر تصمیمی هستیم که معلق مانده و به تعویق افتاده است. مهارت‌های جدید برای غلبه بر این شرایط، روزبه‌روز ناامیدان‌تر و در عین حال خلاقانه‌تر می‌شوند. ورزش که برای بسیاری یک سرگرمی بزرگ بود، حالا از بین رفته است. شبکه‌های تلویزیونی و رادیو دیگر محتوایی ندارند که به آن متوسل شوند. هیچ فوتبالی برای بر کردن روزهای ما وجود ندارد. تئاترها و سینماها تاریک مانده‌اند. ساعت‌های شاد، دیدارهای آنلاین و لایو اینستاگرام، اجراهای کنسرت و نمایشنامه‌خوانی‌های آنلاین، جایگزین واقعیت نشده‌اند و این اتفاق بدی نیست، اما همه ما باز دلتنگ کنار هم بودن هستیم. برای بسیاری از مردم جهان، در دهه‌های اخیر، مصرف‌گرایی و نیروهای بازار، موقعیتی را ایجاد کرده‌اند تا از ملال نئولیبرالی درآمد کسب کنند. این شیوه به دلیل فناوری و رابط‌های تعاملی آن که سرگرمی‌های کوتاه‌مدت سودآور به‌وجود می‌آوردند، بسیار زیاد شده است. هر گاه انگیزه‌های ناکام بماند، میل و خواستی فوری و جدید برای تسکین آن جایگزین می‌شود و این چرخه همین‌طور

ادامه پیدا می‌کند. اسکرول کردن، توییت کردن، خرید کردن، لایک کردن و پست گذاشتن با هم ترکیب می‌شوند تا آگاهی ما را به بردگی در آورند. تورستن ویلن، اقتصاددان آمریکایی، براساس تحلیل اوقات فراغت طبقه بالادست آمریکا در قرن ۲۰، معتقد است که تجربه ملال موقتی، هم اعتیادآور است و هم تجملی به‌حساب می‌آید. برای مقابله با این گرایش نوظهور در مدرنیته، حتی پیش از فناوری‌های امروزی، شوپنهاور و بعدها دیگر فیلسوفان اروپایی (به‌ویژه کی‌پرگور و هایدگر)، ملال را به‌عنوان یک معضل پیچیده فلسفی تحلیل کردند. بینشی درباره زندگی و معنای آن وجود دارد که در نتیجه تجربه دردناک یا ملال‌انگیز، احساس بی‌انگیزگی به‌دست می‌آید.

فیلسوف هری فرانکفورت معتقد است کسانی (willing addict) نامیده می‌شوند، کسانی که به‌جای تجربه و تحمل تضاد میان میل مرتبه اول («من ایکس را می‌خواهم») و خلاف آن، میل مرتبه دوم («من نمی‌خواهم وقت این دو دست می‌یابند. زندگی یک فرد با عملکرد بالا در جامعه سرمایه‌داری، با تمایلات مثبت مرتبه اول (یک رژیم غذایی مناسب، ورزش منظم، اهداف شغلی پایدار، فداکاری برای خانواده و...) می‌تواند یک زندگی سعادتمند یا نسخه مصرف‌گرایانه ما از سعادت ارسطویی (اودایمونیا) شناخته

شود؛ یک زندگی پربرت و رضایت‌بخش، هر چند که غالباً فاقد تفکر درباره ابدیت و جاودانگی است؛ تفکری که یونانیان باستان تصور می‌کردند برای سعادت واقعی ضروری است. در نقطه مقابل، معتاد خودخواسته هر چند دارای همان ساختار ذهنی و تمایلات است، امیال مرتبه دوم او (که به باور فرانکفورت امیال بیشتر انسانی ما هستند)، امیال مضر مرتبه اول را رد نمی‌کنند(من ایکس را می‌خواهم و مییل دارم که ایکس را بخواهم).

مالا اما ایسن تضاد را با یک نوع درگیری روانی بین این دو دستور وارونه می‌کند. ملال همان‌طور که آدام فیلیپس، روانکاو، می‌گوید: «تمایلی متناقض برای یک خواسته» است. غیاب میل مرتبه اول («من کاری ندارم که بخوام انجام دم») توسط میل مرتبه دوم برای داشتن یکی («من واقعاً آرزو می‌کردم کاری می‌داشتم که بخوام انجام دم»)، به افسوسگی تبدیل می‌شود، از این روی بی‌قراری ناشنا و اضطراب از ملال، سبب می‌شود هر نوع میل مرتبه اول -حتی اگر خوراکی بی‌خاصیت باشد- این بی‌قراری را، البته فقط به‌طور موقت، تسکین دهد.

بنابراین، همان‌طور که شوپنهاور می‌گوید، ملال «خطوط ناامیدی واقعی را بر چهره می‌اندازد.» به موقعیت این افراد فکر کنید و خودتان را جای آن‌ها قرار دهید: یک زندانی حبس ابد، یک سرباز آماده و منتظر، فرد مبتلا به بی‌خوابی تحمل‌ناپذیر، نوجوانی در یک سفر خانوادگی اجباری یا یک کارگر بیکار. این ملال واقعی است، حتی خوشبخت‌ترین فرد در بین ما نیز مطمئناً بخش‌هایی در شغلش دارد که چیزی از یک کار ملال‌آور نیست. ملال فقط تابعی از راحتی نسبی و اوقات فراغت نیست. اساساً، جنبه‌ای از شرط اصلی وجود در جهان است. ما معمولاً به اندازه کافی برای این موضوع وقت نمی‌گذاریم؛ البته زندگی یک هدیه شگفت‌انگیز است، اما دشواری‌های خودش را هم دارد؛ هدیه و نعمتی که هیچ‌یک از ما از پیش آرزو نمی‌کردیم، بلکه بر ما تحمیل شده است.

مارتین بازدیگر درباره این پرتاب شدن به زندگی می‌گوید: «ما ناگهان، بدون بحث و تصمیم‌گیری، خود را در این جهان



عکس از استا

می‌بایم،»

اگر ما همیشه در پاسخ به احساس تنهایی یا ملال، فرار را بر قرار ترجیح دهیم، تنها تضاد روانی جدیدی برای خود درست می‌کنیم و فرصت‌های جدیدی را برای بازار سرمایه‌داری ممکن می‌سازیم. اگر ملال فعلی شما منجر به تأمل فلسفی نمی‌شود و در عوض به آشکال جدید مصرف‌گرایی ختم می‌شود، فرصت مغتنم ملال را از دست داده‌اید و تسلیم نظام سرمایه‌داری فعلی شده‌اید.

ملال بخش‌انکارناپذیر روزمرگی‌های ماست. ملال، واقعیت زندگی است. هنگامی که مجبورید به مقابله با آن بپردازید، واقعاً با درس‌های آن درباره میل و خودخواهی روبه‌رو شوید. آن‌گاه جهان با وضوح بیشتری پیش چشمتان نمایان می‌شود، حتی اگر زمان بسیار کند پیش برود. از این گذشته، در واقع مالی که به فلسفه منجر می‌شود، معلم ظالم اما مهربان ماست. اگر به اندازه کافی خوش شانس هستید که هم اکنون احساس ملال می‌کنید و در تلاش نیستید تا اهدافتان را بر آورده سازید یا فقط زنده بمانید، راهی برای مالتیجولایی درون یا گریز

به محرک‌های جدید باز ن کنید. بار حضورتان در جهان را در آغوش بگیرید. شما نمی‌توانید از خود فرار کنید، اما می‌توانید شرایط امکان خود را بررسی کنید. البته هیچ‌کس، حتی هایدگر، هم نمی‌تواند در تمام مدت با احساس وحشت وجودی کنار بیاید. همه ما نیاز داریم گاهی از این افکار فرار و ذهنمان را منحرف کنیم. ما با اشتیاق به‌دنبال تعامل و اهدافمان هستیم و به‌راستی که بدون آن‌ها زندگی از معنا تهی می‌شود. اما ملال همچنان درمی‌سوی سوسی خرد باقی می‌ماند؛ درمی که به‌سوی رستگاری و در عین حال به سوی غذایی برخی است و تنها به دست خودتان باز می‌شود و همان‌طور که ساموئل بکت اشاره می‌کند: «من نمی‌توانم ادامه دهم، من ادامه خواهم داد.» انتخاب دیگری وجود ندارد. مادر بزرگ من همیشه درباره رنج انسان می‌گفت: «این روزها همه ما درون یک قایق هستیم؛ قایقی بی‌مقصد، شناور روی سطح آب.» بله، مادر من می‌گوید: «ما ناگهان، بدون ملال، پنجره‌ای رو به خرد باز می‌کرد.

شهر

روزنامه شهرامید ورزشکی

SHAHRAHNEWS.IR

شنبه ۳۳ شهریور ۱۳۹۹مصادف با ۲۵ شهریور ۱۳۹۹تاسال ۱۳۹۹ شمسی

۵۵



قربانیان کرونا در کشور از مرز ۷۰۰۰ نفر گذشت

با اعلام سخن‌گوی وزارت بهداشت، آمار قربانیان کرونا در کشورمان به ۷هزار و ۵۷۷نفر رسید. طبق اعلام دکتر کیانوش جهانپور، تا ظهر روز گذشته ۲۲۹۴بیمار دیگر به جمع بیماران کرونایی اضافه شدند تا این آمار به ۱۲۲هزار و ۴۹۲نفر برسد.

بر این اساس، از بین مبتلایان جدید، ۵۲۴نفر بستری شدند و هزار و ۷۶۰نفر سرپایی مداوا شدند که از افراد در تماس نزدیک با مبتلایان بودند، ضمن اینکه در همین زمان ۶۹۰بیمار دیگر جان خود را از دست دادند اما تاکنون ۹۵هزار و ۶۶۱نفر از بیماران، بهبود یافته و ترخیص شده‌اند.

در این اطلاعیه همچنین آمده است: ۲۷۱۲نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در مرحله شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند، ضمن اینکه تاکنون ۷۰۱هزار و ۱۶۴۰آزمایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است. گفته می‌شود کماکان استان خوزستان در وضعیت قرمز قرار دارد و حدود ۲۵درصد(یک‌چهارم) موارد تشخیص‌های جدید این بیماری، چه در بخش سرپایی و چه در بخش بستری را به خود اختصاص داده است. علاوه‌بر آن، در استان‌های لرستان، خراسان‌شمالی، کرمان به‌ویژه جنوب کرمان، سیستان‌وبلوچستان به‌ویژه جنوب این استان و همچنین استان کرمانشاه وضعیت هشدار برقرار است.

سخن‌گوی وزارت بهداشت همچنین از همه هموطنان خواست تا با رعایت کامل بهداشت و پروتکل‌های بهداشتی در جهت کاهش هر چه بیشتر آمار مبتلایان به کووید۱۹ گام برندند.

پذیرش بیماران غیرکرونایی

در بیمارستان‌های مشهد به روال قبل بازگشت

دبیر کمیته مراقبت و درمان کووید۱۹ دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد گفت: خوشبختانه با روند کاهش بیماران بستری مبتلا به کرونا، فرایند پذیرش و درمان بیماران غیر کرونایی در بیمارستان‌های دانشگاه به روال قبل برگشته است.

به گزارش وب‌دا، علی‌صدر انجیدنی افزود: هم‌زمان با شیوع ویروس کرونا و نیاز تخت‌های بستری و بخش‌های مراقبت‌های ویژه اختصاصی برای این دسته از بیماران، خدمات‌رسانی به بیماران کد ۷۲۴ و ۴۴۷ و دیگر موارد مورد نیاز در بیمارستان‌های معین در دستور کار قرار گرفت و در این راستا بیمارستان‌های رضوی، مهر، سینا، پاستور، موسی‌بن‌جعفر، امام‌زمان(عج)، جوادالائمه(ع)، بنت‌الهدی و آریا با دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد همکاری داشتند.

تأثیر کرونا بر همه جوانب زندگی

رئیس دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان دانشگاه علوم‌پزشکی ایران معتقد است کرونا بر همه جنبه‌های زندگی از جمله خانواده تاثیر می‌گذارد و بیش از گذشته، سبب محدود شدن ارتباط با اقوام می‌شود و افراد ناچارند به‌صورت مجازی یا یکدیگر از تباط برقرار کنند.

به گزارش فارس، سیدوحید شریعت می‌گوید: این ویروس در خانواده‌هایی که زیر یک سقف و در یک منزل زندگی می‌کنند، هم تفاوت‌هایی را ایجاد کرده و تاثیراتی گذاشته است. درواقع شیوع کرونا، میزان باهم بودن افراد را افزایش داده است.

او ادامه می‌دهد: کرونا در روال معمول زندگی افراد، تغییراتی ایجاد کرده و نظم عمومی را برهم زده است. با توجه به اینکه افراد در این دوران بیشتر در منزل هستند و بیشتر با هم تماس دارند، تنش‌ها هم افزایش می‌یابد و مشکلاتی در استعدادهای فضای مجازی و نحوه درس خواندن به‌چهار ایجاد می‌شود.

ضرورت پلاسمادرمانی در مراحل اولیه کرونا

رئیس دانشکده داروسازی دانشگاه علوم‌پزشکی بقیه... (عج) اظهار کرد: پلاسمادرمانی باید در مراحل اولیه ابتلا به بیماری استفاده شود.

طبق اعلام تسنیم، عبدالمجید چراغعلی اعلام کرد: انتی‌بادی‌های موجود در پلاسما به افراد بیمار تزریق می‌شود و می‌تواند بیمار را به‌ویژه در مراحل اولیه بیماری در مان کند.

وی با اشاره به مقالات علمی منتشرشده درمورد درمان بیماری‌های عفونی با استفاده از پلاسما گفت: پلاسمای افسرد بهبودیافته مزیت دارد، زیرا اگر بخواهیم دارو یا واکنسنی برای بیماری‌های نوپدید تولید کنیم، زمان زیادی می‌برد ولی در مورد تزریق پلاسما، باید به‌سرعت و در اولین مرحله بیماری، به بیمار تزریق شود و به این شکل، تعداد بیماران را در بخش مراقبت‌های ویژه و به‌طور کلی بیمارستان کاهش می‌دهد که به معنای کاستن از بار هزینه‌هاست.

امکان نابودی کرونا، قبل از ساخت واکسن

طبق ادعای دبیر سابق سازمان جهانی بهداشت، ممکن است ویروس کرونا پیش از ساخت واکسن به‌طور طبیعی از بین برود.

طبق اعلام ایسنا، پروفیسور کارول سیکورا که پیش از این اجرای برنامه سرطان سازمان جهانی بهداشت را برعهده داشت، با بیان اینکه همه‌جا شاهد یک الگوی تقریباً مشابه در شیوع کرونا هستیم، اظهار کرد: احتمالاً ایمنی ایجادشده دربرابر این ویروس، بیش از آن چیزی است که ما تخمین زده‌ایم. باید روند شیوع ویروس را کندتر کنیم اما در عین حال این ویروس ممکن است به‌خودی‌خود از بین برود. به نظر من این سناریو عملی است.



دکتر علیرضا رئیس، معاون بهداشت وزارت بهداشت:

نظام شبکه با تمام توان به بسیج ملی مقابله با کرونا وارد شد و با حداقل هزینه و با توانمندی بهوزران، مراقبان سلامت، کارشناسان، پزشکان و سایر نیروهای داوطلب، این بسیج ملی را با غربالگری نزدیک به ۸۰میلیون نفر از هموطنان عزیز به پیش برد. نتیجه مستقیم این غربالگری، کاهش چشمگیر ورودی به بیمارستان‌ها و به‌دنبال آن کاهش درخور ملاحظه تلفات ناشی از ابتلا به این ویروس بوده است.